

The effectiveness of Group well-being Therapy on marital satisfaction And psychological well- being among housewives

Amir Khazaei¹, Hamid Shamsipour², Mohamad Hasan Davazdah Emamy³

1-Graduated from the master of clinical psychology University of Medical Sciences, Tehran, Iran. ORCID: 0000-0001-5550-6381 E-mail: Amirkhazaei2015@gmail.com

2-Assistant professor Shahid Beheshti Department of Clinical Psychology University of Medical Sciences Faculty of Medicine Tehran, Iran. ORCID: 0000-0002-2566-233x

3-Assistant professor Shahid Beheshti Department of Clinical Psychology University of Medical Sciences Faculty of Medicine Tehran, Iran. ORCID: 0000-0003-4965-8439

Received: 21/07/2018

Accepted: 19/11/2018

Abstract

Introduction: Marital satisfaction and psychological well-being are the two domains of mental health. Their promotion is inversely related to common disorders, such as depression and anxiety

Aim: The present study aimed to investigate the effectiveness of group well-being therapy on marital satisfaction and psychological well-being of housewives

Method: quasi-experimental study with pre- and post-test and control group, a sample of 30 housewives aged 20-50 years old, were selected by convenience sampling method and were assigned to two groups of 15 subjects. The instruments included marital satisfaction questionnaire

Results: Covariance analysis showed that group welfare treatment is effective on marital satisfaction and psychological well-being of housewives

Conclusion: According to findings, we can use well-being therapy to increase marital satisfaction and psychological well-being of housewives

Keywords: Group well-being therapy, Marital satisfaction, Psychological well-being

How to cite this article : Khazaei A¹, Shamsipour H², Davazdah Emamy M H³. The effectiveness of Group well-being Therapy on marital satisfaction and psychological well- being among housewives. Shenakht Journal of Psychology and Psychiatry. 2018; 5 (5): 43-52 .URL :<http://shenakht.muk.ac.ir/article-1-503-fa.pdf>

Copyright © 2018 the Author (s). Published by Kurdistan University of Medical Sciences. This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-Non Commercial License 4.0 (CCBY-NC), where it is permissible to download, share, remix, transform, and buildup the work provided it is properly cited. The work cannot be used commercially without permission from the journal.

اثربخشی بهزیستی درمانی گروهی بر رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی زنان خانه‌دار

امیر خزایی^۱، حمید شمسی پور^۲، محمدحسن دوازده امامی^۳

۱. کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران. ایمیل: Amirkhazaei2015@gmail.com

۲. استادیار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

۳. استادیار، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی، گروه روانشناسی بالینی، دانشگاه علوم پزشکی شهید بهشتی تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۲۸

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۴/۳۰

چکیده

مقدمه: رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی دو مؤلفه سلامت روان می‌باشند که ارتقای آن‌ها رابطه معکوسی با اختلالات شایع مانند افسردگی و اضطراب دارد

هدف: پژوهش حاضر بررسی اثربخشی بهزیستی درمانی گروهی بر رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی زنان خانه‌دار است.

روش: پژوهش نیمه آزمایشی با پیش و پس‌آزمون و گروه کنترل، نمونه ۳۰ زن خانه‌دار ۲۰ تا ۵۰ ساله به روش نمونه‌گیری دسترس انتخاب و در دو گروه ۱۵ نفری آزمایش و کنترل گمارش شدند. ابزارها شامل پرسشنامه‌ی رضایت زناشویی انریچ و بهزیستی روان‌شناختی ریف، درمان ۸ جلسه‌ی ۹۰ دقیقه‌ای ۲ جلسه در هفته اجرا و ۲ مرحله ارزیابی صورت گرفت، پیش و پس از مداخله.

یافته‌ها: تحلیل کوواریانس نشان داد بهزیستی درمانی گروهی بر رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی زنان خانه‌دار مؤثر است

نتیجه‌گیری: با توجه به یافته‌ها می‌توان از بهزیستی درمانی در افزایش رضایت زناشویی و بهزیستی روان‌شناختی زنان خانه‌دار استفاده کرد

کلیدواژه‌ها: بهزیستی درمانی گروهی، رضایت زناشویی، بهزیستی روان‌شناختی

مقدمه:

اگر چه زنان نسبت به مردان طول عمر بیشتری^۱ دارند (اتکینسون، ۲۰۱۲)، اما بیشتر دچار بیماری‌های جسمی و روانی می‌شوند، از جمله مشکلات شایع روانی زنان می‌توان به افسردگی، اضطراب و کاهش رضایت کلی از زندگی اشاره کرد (کسلر، ۲۰۱۱). علم روانشناسی از گذشته توجه خاصی در جهت کاهش علائم اختلالات شایع در افراد داشته است، ولی شاید این توجه دارای دو نقص کلی بوده است. نقص اول توجه بعضی از نظریه‌های مهم روانشناسی از جمله روانکاوی به مردها و آسیب‌شناسی روانی آن‌ها و سعی در تبیین رفتار زن‌ها با این الگوی مردانه بوده است و نقص دوم به توجه بیشتر در جهت کم کردن شدت اختلالات و ضعف‌های روانی تا رشد توانمندی‌های افراد هست، توانمندی‌هایی که می‌توانستند نقش عامل محافظ را در مقابل فشارهای درون روانی و محیطی افراد بازی کنند (سلیگمن و چیکزنت میهای، ۲۰۰۷). از دهه‌های گذشته رویکردهای نوین روانشناسی توجه خود را به نقش تفاوت‌های جنسیتی در ویژگی‌های روان‌شناختی منظور داشته‌اند (چاپو و هانگ، ۲۰۱۱) شاید به جرات بتوان گفت هیچ نظریه‌ای در روانشناسی به اندازه روانشناسی مثبت‌نگر در جهت تأکید بر جنبه‌های مثبت و توانمندی‌های افراد تأکید نکرده است (لوبومیرسکی^۲، ۲۰۱۰).

تحقیقات فراوانی در حوزه روانشناسی مثبت‌نگر نشان داده است که با افزایش مشکلات روان‌شناختی افراد از سطح شادکامی، بهزیستی و رضایت کلی از زندگی در آنان کاسته می‌شود (رشید، ۲۰۱۵). از جمله عواملی که باعث به وجود آمدن آشفتگی‌های روان‌شناختی و به تبع آن کاهش سطح شادکامی افراد می‌شود مؤلفه

کاهش رضایت زناشویی^۳ هست، رضایت زناشویی سهم بیشتر و مستقیم‌تری بر شادکامی و بهزیستی روان‌شناختی زنان نسبت به مردان دارد (وین استک^۴ و ویشمن، ۲۰۱۱). بری و ویلیامز (۲۰۱۰) در شرح این تأثیرگذاری بیشتر به کم‌تر بودن شبکه ارتباطی زنان، تأثیر عوامل اقتصادی و فرهنگی اشاره می‌کنند. از سوی دیگر نتایج چندین تحقیق در داخل و خارج کشور نشان داده است که در بین زنان، زنان خانه‌دار نسبت به زنان شاغل در کیفیت زندگی، بهزیستی روان‌شناختی و سلامت کلی روانی نمرات پایین‌تری کسب می‌کنند (حسن شاهی و گودرزی، ۲۰۱۳). تحقیقات علت‌های فراوانی برای پایین بودن کیفیت زندگی و سلامت کلی روانی زنان خانه‌دار نسبت به زنان شاغل یافته‌اند، بعضی از مهم‌ترین این علت‌ها وابستگی اقتصادی فراوان به همسر، نداشتن فعالیت مستقل و هدفمند خارج از خانه، مقایسه شرایط خود با زنان شاغل، کم‌تر بودن شبکه ارتباطی و عادی شدن و چالش برانگیز نبودن فعالیت‌های منزل می‌باشند (هلمز و بوچلر، ۲۰۱۰).

واینفیلد^۵ (۲۰۰۹) به این نکته اشاره می‌کند که بهزیستی زنان خانه‌دار متأثر از محیط آنان است و زنان خانه‌داری که کنترلی بر شرایط محیطی خود ندارند، در روابط بین فردی خود نقش منفعل دارند و زندگی بدون جهتی را سپری می‌کنند، سطح پایینی از بهزیستی را تجربه می‌کنند. وی تأکید می‌کند که علاوه بر نقش عوامل درون روانی زنان، باید بر نقش تعاملات زنان خانه‌دار نیز توجه داشت. واینفیلد زنان خانه‌دار را نیازمند مداخله‌هایی می‌داند که مؤلفه‌های ذکر شده را ارتقاء دهد. وی به نقش رویکردهای مثبت‌نگر در این زمینه تأکید می‌کند. واینفیلد در مطالعاتش در کار با زنان خانه‌دار مبتنی بر مدل بهزیستی روان‌شناختی ریف

³. Marital satisfaction

⁴. stuk

⁵. Winnfield

¹ life span

². lyubomirsky

پذیرش خود^۸: یکی از مؤلفه‌های کلیدی در بهزیستی، داشتن نگرش مثبت به خود است. آگاهی از پوش نوارهای خود و نیز پذیرش ضعف‌ها و شناسایی توانایی‌های خود یکی از اساسی‌ترین ویژگی‌های شخصیت سالم و تکامل یافته است.

زندگی هدفمند^۹: توانایی پیدا کردن معنا و جهت در زندگی، داشتن اهداف و دنبال کردن اهدافی که نه تنها در جهت نفع شخصی بلکه در راستای رشد اجتماع نیز است.

رشد شخصی^{۱۰}: رشد شخصی یا توانایی شکوفا ساختن همه نیروها و استعدادهای خویش. پرورش و گسترش دادن توانایی‌هایی که حاصل رو به رو شدن با مشکلات و سختی‌های گریز ناپذیر زندگی است.

تسلط بر محیط^{۱۱}: یکی دیگر از کلیدهای رسیدن به بهزیستی، تحت کنترل داشتن شرایط محیط پیرامون خود است؛ یعنی فرد بتواند تا حدود زیادی بر زندگی و محیط اطراف خود احاطه داشته باشد.

خودمختاری^{۱۲}: خودمختاری بدین معناست که فرد رفتار خود را از درون تنظیم کند و هر هنجار غالبی نتواند جهت فرد را تغییر دهد.

روابط مثبت با دیگران^{۱۳}: روابط مثبت با دیگران عبارت است از توانایی برقراری روابط نزدیک و صمیمی با دیگران، اشتیاق برای برقراری چنین رابطه‌ای و نیز عشق ورزیدن به دیگران (ویزینگ و فوری، ۲۰۰۰)

در کشور ما زنان خانه دار بخش در خور توجهی از جمعیت زنان را تشکیل می دهند و نقش آنان در سلامت جامعه مهم و تأثیر گذار است (حسن شاهی و گودرزی، ۲۰۱۳) از سوی دیگر، این گروه تأثیرگذار با وجود مشکلات بیشتری که دارد از رویکردهای نوین

به این نتیجه رسید که مهم‌ترین عواملی که سبب کاهش سطح بهزیستی زنان خانه‌دار می‌شوند ضعف در کنترل شرایط محیطی، نداشتن زندگی هدفمند و ضعف در داشتن روابط مثبت و با معنا است. وی سه دسته عوامل را در رضایت زناشویی مهم دانست: عوامل درون فردی یا مؤلفه‌هایی نظیر ویژگی‌های شخصیتی و عادات فردی، انتظارات، ایده‌آل‌ها و ارزش‌ها. مسائل بین فردی نظیر قواعد مراوده، حل تعارض، رابطه جنسی، تعهد و قواعد بین فردی و مسائل بیرونی نظیر رابطه با اقوام، فرزندان، والدین و دوستان. از این رو بر طبق دیدگاه واینفیلد یکی از هدف‌های درمان اختلافات زناشویی شناسایی، اندازه‌گیری و تغییر و اصلاح این عوامل مؤثر بر رضایت زناشویی است.

واتسون و تلگن^۶ (۲۰۱۱) معتقدند درمان‌های معمول در کاهش مشکلات روان‌شناختی افراد خصوصاً زنان، مانند درمان شناختی رفتاری یا دارو درمانی در بهترین حالت آنان را در وضعیتی قرار می دهد که فقط از علائم رنج نمی برند و هدف نهایی آن‌ها تخفیف و تسکین علائم بیماری است؛ اما هنوز احساس شادکامی و رضایت از زندگی در آن‌ها وجود ندارد؛ زیرا عواطف مثبت و منفی دو ساختار کاملاً متفاوت دارند و عدم حضور عواطف منفی به معنای وجود عواطف مثبت نیست.

ریف^۷ و همکاران (۱۹۹۸) یک رویکرد درمانی به نام بهزیستی درمانی را پایه گذاری کردند که هدف آن کمک به افراد برای رشد در ۶ حوزه پذیرش خود، زندگی هدفمند، رشد شخصی، تسلط بر محیط، خودمختاری و روابط مثبت با دیگران و به تبع آن کاهش علائم اختلالات روان‌پزشکی است. شرح این شش عنصر به اختصار در پی می‌آید:

⁸. self acceptance

⁹. purpose in life

¹⁰. personal growth

¹¹. environmental mastery

¹². autonomy

¹³. positive relations with others

⁶. Watson .Telligen

⁷. Ryff

روان‌درمانی مانند رویکردهای مثبت نگر در جهت کاهش مشکلات و افزایش بهزیستی در زندگی کمتر سود برده است. با توجه به این مشکل و نیاز پاسخ داده نشده به در دسترس بودن روش‌های مؤثر آزموده شده، هدف این پژوهش پاسخ به این مسئله است که آیا بهزیستی درمانی گروهی که یکی از مداخلات روان‌شناسی مثبت نگر است می‌تواند در کنار تأکید بر مؤلفه‌های درون روانی بر مؤلفه‌های بین فردی و محیطی زنان خانه‌دار تأثیرگذار بوده و بتواند بهزیستی و رضایت زناشویی این گروه از زنان جامعه را ارتقاء بخشد یا خیر.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی - کاربردی، از نظر روش‌شناختی، نیمه آزمایشی و از لحاظ طرح، کارآزمایی بالینی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون و گروه کنترل است. جامعه‌ی آماری این مطالعه را زنان خانه‌دار با سواد خواندن و نوشتن و سن زیر ۵۰ سال مراجعه کننده به خانه سلامت شهرداری منطقه ۱۸ تهران تشکیل می‌دهند. هدف از انتخاب محدوده سنی، هم دوره بودن آزمودنی‌ها از لحاظ سنی است. نمونه شامل ۳۰ بود نفر که به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به تعداد برابر ۱۵ نفر در گروه آزمایش و ۱۵ نفر در گروه کنترل گمارش شدند.

ملاک‌های ورود به پژوهش: ۱- سن زیر ۵۰ سال ۲- سواد خواندن و نوشتن ۳- عدم مصرف داروهای اعصاب و روان در طول ۱ سال گذشته ۴- عدم سوءمصرف یا وابستگی به مواد، الکل و دارو مصرف داروهای اعصاب و روان در طول مدت درمان و ملاک‌های خروج از پژوهش شامل ۱- مصرف داروهای اعصاب و روان در طول مدت درمان ۲- تغییر در وضعیت تأهل در مدت جلسات درمان ۳- بروز

علائم اختلالات روان‌پزشکی در مدت درمان ۴- بروز علائم بیماری‌های جسمانی به نحوی که مانع ادامه روند درمان شود. از گروه آزمایش ۲ نفر و از گروه کنترل ۱ نفر ریزش داشتند. پس از انتخاب و گمارش آزمودنی‌ها، همه شرکت کنندگان به مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف^{۱۴} و مقیاس رضایت زناشویی انریچ^{۱۵} پاسخ داده و سپس برنامه‌ی مداخله‌ی بهزیستی درمانی گروهی مبتنی بر مدل ریف، در ۸ جلسه ۹۰ دقیقه‌ای گروهی، بر اساس پروتکل ریف در گروه آزمایش اجرا شد. جلسات در هر هفته ۲ مرتبه به مدت ۱ ماه برگزار شد و گروه کنترل مداخله خاصی دریافت نکردند.

ابزار

مقیاس بهزیستی روان‌شناختی ریف: این مقیاس را ریف (۱۹۸۰) طراحی کرد فرم اصلی آن ۱۲۰ سؤال دارد ولی در مطالعات بعدی فرم‌های کوتاه‌تر ۸۴ سؤالی، ۵۴ سؤالی و ۱۸ سؤالی نیز تهیه شده است. در این پژوهش از شکل ۱۸ سؤالی آن استفاده شد. مقیاس بهزیستی روان‌شناختی دارای ۶ خرده مقیاس است، شامل: تسلط بر محیط، رشد فردی، زندگی هدفمند، خودمختاری، پذیرش خود و روابط مثبت با دیگران. هر خرده مقیاس در سه سؤال طرح شده است. هر سؤال به صورت ۱، ۲، ۳، ۴، ۵ و ۶ نمره گذاری می‌شود. مجموع نمرات این ۶ عامل، نمره‌ی کلی بهزیستی روان‌شناختی قلمداد می‌شود. نمره بالاتر نشان دهنده بهزیستی روان‌شناختی بیشتر است. روایی و پایایی مقیاس‌های بهزیستی روان‌شناختی در پژوهش سفیدی، مناسب گزارش شده است (سفیدی، ۲۰۱۲) همسانی درونی خرده مقیاس‌ها مناسب و آلفای کرونباخ آن‌ها بین ۰/۷۷ تا ۰/۹۰ است.

¹⁴. Ryff psychological well-being scale (pwb)

¹⁵. Enrich marital satisfaction scale

مدیریت مالی و موضوعات شخصیتی است. سوالات به صورت پنج گزینه ای (که در اصل یک نگرش سنج از نوع لیکرت است) در نظر گرفته شده است که به هر گزینه آن از یک تا پنج امتیاز داده می شود. نمره های محاسبه شده براساس جدول فرم تفسیر می شوند که در آن میانگین برابر با ۵۰ و انحراف معیار برابر با ۱۰ است. ضرایب آلفای خرده مقیاس های پرسشنامه انریچ از ۰.۶۸ تا ۰.۸۶ با میانگین ۰.۷۹ است. نمره بین ۳۰ تا ۴۰ نشانگر عدم رضایت از روابط زناشویی همسران است. نمره های بین ۴۰ تا ۶۰ نشانگر رضایت نسبی و متوسط از روابط زناشویی همسران است. نمره های بین ۶۰ تا ۷۰ نشانگر رضایت زیاد همسران از روابط زناشویی است؛ و نمره های بالاتر از ۷۰ نشانگر رضایت فوق العاده از روابط زناشویی است (میرزاده و فلاحچی، ۲۰۱۱).

همسانی درونی خرده مقیاس ها بین ۰.۸۲ تا ۰.۹۰ است. ریف ضریب همسانی درونی مقیاس ها را بین ۰.۸۶ تا ۰.۹۳ یافته است. روایی نسخه فارسی پرسش نامه در مطالعه بیانی و همکاران مطلوب گزارش شد (بیانی و کوچکی، ۲۰۰۸).

پرسش نامه رضایت زناشویی انریچ: این پرسش نامه توسط السون (۲۰۰۱) طراحی شده است که به منظور ارزیابی زمینه های بالقوه مشکل زا و شناسایی زمینه های قدرت و پربارسازی روابط زناشویی به کار می رود. این آزمون دارای دو فرم ۱۱۵ سوالی و ۱۲۵ سوالی است و از ۱۲ خرده آزمون تشکیل شده است. فرم کوتاه آن دارای ۴۷ سوال است. در پژوهش حاضر از فرم کوتاه این پرسش نامه استفاده شد. ۱۲ خرده مقیاس این پرسش نامه شامل ارتباط همسری، ازدواج و بچه ها، بستگان و دوستان، جهت گیری عقیدتی، حل تعارض، روابط جنسی، فعالیت های اوقات فراغت،

جدول ۱- خلاصه دستورالعمل اجرای جلسات درمانی

جلسه اول	اهداف و تکالیف: معرفی اعضا- آشنایی اعضا با یکدیگر- شناسایی انگیزه و انتظار اعضا گروه از درمان
جلسه دوم	اهداف و تکالیف: توضیح در مورد مفهوم توجه به خویشتن - توضیح در مورد نقش خودشناسی در بهزیستی
جلسه سوم	اهداف و تکالیف: بررسی دیدگاه های مراجعه کنندگان در مورد بهزیستی - مقایسه شباهت ها و تفاوت باورهای اعضا در مورد بهزیستی
جلسه چهارم	اهداف و تکالیف: شناسایی افکار خود آیند، تحریفات شناختی و باورهای افراد در مورد مفهوم بهزیستی - تعیین تأثیر این باورها بر میزان بهزیستی و شادکامی
جلسه پنجم	اهداف و تکالیف: معرفی مدل بهزیستی روان شناختی ریف - توضیح نقش هریک از شش مؤلفه در بهزیستی افراد- بررسی وضعیت هریک از اعضا در این مؤلفه ها
جلسه ششم	اهداف و تکالیف: تأکید بر دستاوردهای کاربرد مؤلفه های بهزیستی در زندگی مراجعه کنندگان - شناسایی تجارب احتمالی اعضا در رشد این مؤلفه ها
جلسه هفتم	تکلیف: تثبیت روند رشد در مؤلفه های بهزیستی - کمک به رفع مشکل احتمالی در مسیر رشد این مؤلفه ها در اعضا
جلسه هشتم	تکلیف: جمع بندی و اتمام مداخله - اطمینان به مراجعه کنندگان در خصوص در دسترس بودن درمانگر در مسیر تغییر

یافته‌ها

بر اساس اطلاعات آمار توصیفی ۵ نفر از اعضا تحصیلات زیر دیپلم، ۱۴ نفر دارای تحصیلات دیپلم، ۶ نفر لیسانس و ۲ نفر فوق‌لیسانس بودند همچنین از لحاظ وضعیت سنی ۱۲ نفر بین ۲۰ تا ۳۰ سال، ۹ نفر ۳۰ تا ۴۰ سال و ۶ نفر نیز بین ۴۰ تا ۵۰ سال داشتند. از گروه آزمایش که شامل ۱۵ نفر بود ۲ نفر ریزش داشتند و از گروه ۱۵ نفری کنترل نیز ۱ نفر ریزش داشتند. در آمارهای توصیفی پیش‌آزمون و پس‌آزمون نمرات «بهزیستی روان‌شناختی» میانگین نمرات پیش‌آزمون گروه آزمایش ۵۶,۰۷ و در گروه کنترل ۵۹,۲۱ بوده است همچنین میانگین نمرات گروه آزمایش در پس‌آزمون ۵۹,۳۰ و در گروه کنترل ۵۹,۵۰ بود با توجه به نتایج میانگین نمرات پس‌آزمون بهزیستی روان‌شناختی

زنان خانه‌دار در گروه آزمایش افزایش داشته اما در گروه کنترل میانگین نمرات به نسبت ثابت بوده است. با توجه به نتایج آزمون تحلیل کوواریانس مندرج در جدول ۲- چون مقدار F محاسبه شده (۲۷/۱۱) با درجه آزادی ۱ و ۲۴ از مقدار F جدول بزرگ‌تر است، فرض پژوهش که عبارت بود از اینکه بهزیستی درمانی گروهی بر افزایش بهزیستی روان‌شناختی زنان خانه‌دار تأثیر می‌گذارد، با اطمینان ۰/۹۹ تأیید می‌گردد. همچنین میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل افزایش یافته است که این تفاوت معنی‌دار است. شاخص اثر به دست آمده حاکی از این است که ۵۳ درصد افزایش نمرات بهزیستی روان‌شناختی زنان خانه‌دار در گروه آزمایش را می‌توان به بهزیستی درمانی گروهی نسبت داد.

جدول ۲- نتایج تحلیل کوواریانس تفاوت میانگین‌های تعدیل شده نمرات بهزیستی روان‌شناختی

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی‌داری	حجم اثر
پیش‌آزمون	۴۹۵۷,۸۴	۱	۴۹۵۷,۸۴	۲۲۶۹,۷۸	۰,۰۰۱	۰,۹۹۰
گروه‌ها	۵۹,۲۱	۱	۵۹,۲۱	۲۷,۱۱	۰,۰۰۱	۰,۵۳۰
واریانس خطا	۵۲,۴۲	۲۴	۲,۱۸	-	-	-
مجموع	۱۰۰۳۰۰	۲۷	-	-	-	-

همچنین میانگین نمرات پیش‌آزمون رضایت زناشویی در گروه آزمایش ۸۶,۸۱ و در گروه کنترل ۹۰,۵۴ بود. همچنین میانگین نمرات پس‌آزمون در گروه آزمایش ۸۹,۹۰ و در گروه کنترل ۹۰,۳۶ بود با توجه به نتایج میانگین نمرات پس‌آزمون رضایت زناشویی زنان خانه‌دار در گروه آزمایش افزایش داشته اما در گروه کنترل کم و بیش ثابت بوده است با توجه به نتایج آزمون تحلیل کوواریانس مندرج در جدول ۳ چون مقدار F محاسبه شده (۱۹/۸۸) با درجه

آزادی ۱ و ۲۴ از مقدار F جدول بزرگ‌تر است، فرض پژوهش با اطمینان ۰/۹۹ تأیید می‌گردد. همچنین بر اساس نتایج جدول ۳ میانگین نمرات پس‌آزمون گروه آزمایش نسبت به گروه کنترل افزایش یافته است که این تفاوت معنی‌دار است. شاخص اثر به دست آمده حاکی از این است که ۴۵ درصد افزایش نمرات رضایت زناشویی زنان خانه‌دار در گروه آزمایش را می‌توان به بهزیستی درمانی گروهی نسبت داد.

جدول ۳- نتایج تحلیل کواریانس تفاوت میانگین‌های تعدیل شده نمرات رضایت زناشویی

منابع تغییرات	مجموع مجذورات	درجات آزادی	میانگین مجذورات	نسبت F	سطح معنی داری	حجم اثر
پیش آزمون	۲۸۱۷۲٫۸۸	۱	۲۸۱۷۲٫۸۸	۷۴۳۲٫۳۵	۰٫۰۰۱	۰٫۹۹۷
گروه‌ها	۷۵٫۳۶	۱	۷۵٫۳۶	۱۹٫۸۸	۰٫۰۰۱	۰٫۴۵۳
واریانس خطا	۹۰٫۹۷	۲۴	۳٫۷۹	—	—	—
مجموع	۲۰۵۴۱۱	۲۷	—	—	—	—

نتیجه گیری

اشاره می‌کند، دو عامل از عوامل اصلی بهزیستی روان‌شناختی، عاطفه مثبت و روابط بین فردی بهتر است. از سوی دیگر، بخش‌هایی از پروتکل بهزیستی درمانی گروهی مانند بیان دیدگاه‌های خود در جمع و دریافت بازخورد از اعضا ممکن است باعث اصلاح الگوی ارتباطی مراجعه‌کنندگان در زندگی واقعی‌شان شده باشد، به این ترتیب که خو گرفتن به دریافت بازخورد دیگران هنگام بیان نظرات خود، به افزایش ظرفیت در نظر گرفتن دیدگاه‌های دیگران کمک کرده و این نیز به نوبه خود بر روابط بین فردی زنان خانه‌دار با همسر و فرزندان‌شان تأثیر مثبت داشته است. همچنین، در بخش مهم دیگر از پروتکل درمانی می‌توان به تأکید بر خویش‌نگری اشاره کرد که سبب درون‌نگری بیشتر زنان خانه‌دار شده و ممکن است باعث افزایش پاسخ‌های سنجیده‌تر آنان شده و همچنین از پاسخ‌های تکانشی به دیگران کاسته باشد و این نیز به نوبه خود در بهبود ارتباط سالم با اطرافیان تأثیرگذار بوده باشد.

همچنین، نتایج این پژوهش نشان داد که بهزیستی درمانی گروهی در افزایش بهزیستی روان‌شناختی زنان خانه‌دار مؤثر است. این یافته‌ها با نتایج پژوهش معینی

نتایج این پژوهش نشان داد که بهزیستی درمانی گروهی در افزایش رضایت زناشویی زنان خانه‌دار مؤثر است. هر چند در جستجوی پیشینه پژوهش، مطالعه‌ای که اثر بخشی بهزیستی درمانی گروهی را بر رضایت زناشویی سنجیده باشد پیدا نشد، با توجه به وجود منابع فراوان که در آن تأکید می‌شود کاهش سطح اضطراب، افسردگی، استرس و به صورت کلی کاهش علائم منفی از یک سو و بهبود مؤلفه‌های مثبت سلامت روان مانند شادکامی و بهزیستی از سوی دیگر، تأثیر مستقیم بر رضایت زناشویی دارند (رجبی، ۲۰۱۲)، می‌توان این طور تبیین کرد که بهزیستی درمانی با کاهش علائم روان‌پزشکی و رشد بهزیستی افراد بر افزایش رضایت زناشویی آنان تأثیر می‌گذارد. همان طور که اشاره شد، بهزیستی درمانی علاوه بر تأثیر مستقیم مثبت که بر اضطراب و افسردگی افراد می‌گذارد، می‌تواند باعث به وجود آمدن هیجانات مثبت در زنان خانه‌دار شود و این هیجانات مثبت می‌تواند بر روابط زنان با همسران و فرزندان‌شان تأثیر مثبت بگذارد. همچنین، همان طور که وان دن^{۱۶} (۲۰۰۸)

¹⁶ Van den

داشته است. همچنین به نظر می‌رسد بخشی از پروتکل درمانی که بر شناخت تأثیرات و خنثی‌سازی تحریفات شناختی در مورد مفهوم بهزیستی تأکید می‌کند، بر رشد تجارب بهزیستی در زنان خانه‌دار بیشترین تأثیر را داشته است. چون این تحریفات در مراحل درمان به وفور مانع ایجاد تجارب حتی اندک در مسیر بهزیستی می‌شدند، شناسایی این تحریفات ممکن است انگیزه مراجعه‌کنندگان برای فراهم کردن شرایط مناسب برای رشد تجارب بهزیستی را بالاتر برده باشد.

تشکر و قدردانی

در پایان از کارمندان محترم خانه سلامت منطقه ۱۸ تهران که در انجام این پایان‌نامه با بنده همکاری لازم را داشتند کمال تشکر را داشته باشم.

References

- Atkinson R.L. (2012) Hilgard's introduction to psychology: Harcourt Brace College Publishers Philadelphia PA.
- Bayani A.A. & Koochekya M. (2012). reliability and validity of ryff psychological well-being 14(2):146-151:being scales.Ijpcp.
- Berry, R.E. & Williams, F.L. (2010) 'Assessing the Relationship between Quality of Life and Marital and Income Satisfaction: A Path Analytic Approach', Journal of Marriage and the Family 49: 107-116.
- Chiu, Y.-W., Moore, R.W., Hsu, C.E., Huang, C.-T., & Chuang, H.Y. (2011). Factors influencing gender role in women's quality of life in the latter half of life. Climacteric, 11, 201-211.
- Golbar yazdi, Z. & moeenizadeh, M. (2012). The effectiveness of well-being therapy on stress and psychological well-being in infertile woman: the iranian of obstetrics gynecology and infertility> vol. 15 no. 2.
- Hassanshahi M.M., Goodarzi M.A., Mirjafari S.A., et al. (2013). Prevalence of Psychiatric Disorders in the city of Arsanjan. The

زاده و ظریف (۲۰۱۲) که اثربخش بودن درمان بهزیستی در افزایش بهزیستی روان‌شناختی زنان نابارور را نشان دادند هماهنگ است. این یافته، نقش رشد و پیشرفت در شش مؤلفه بهزیستی روان‌شناختی ریف را در ارتقای سطح بهزیستی زنان نشان می‌دهد و با ادعای واینفیلد که ضعف زنان در کنترل محیط، روابط مثبت بین فردی و زندگی هدفمند را از اصلی‌ترین علت‌های پایین بودن بهزیستی در زنان می‌داند هماهنگ است. همچنین، همان‌طور که در نظریه شادکامی پایدار سونیالوبومیرسکی (۲۰۱۳) اشاره شده است که افراد می‌توانند سطح شادکامی خود را تا چهل درصد افزایش دهند، می‌توان این‌طور استنباط کرد که با انجام این مداخله درمانی زنان خانه‌دار در شش مؤلفه رشد داشته و هر فرد در بخشی از بهزیستی خود که با نام عوامل ارادی در نظریه سونیالوبومیرسکی شناخته می‌شود رشد

Quarterly Journal of Fundamentals of Mental Health;19- 20(6): 67-83.[in Persian]

Helms. hm Buehler. C -2010- Journal of Marriage - Wiley Online Library Marital quality and personal well-being in woman:mata-analysis.

Kessler R.C., McGonagle K.A., Zhao S, Nelson CB, Hughes M, Eshleman S, et al. (2011). Lifetime and 12-month prevalence of DSM-III-R psychiatric disorders in the United States. Results from the National Comorbidity Survey.

Lyubomirsky, S. (2010). Enhancing wellbeing and alleviating depressive symptoms with positive psychology intervention: apractice_friendly meta-analysis. (Electronic version). Journal of clinical psychology, 65, 467-48.

Lyubomirsky, S. (2013). The myths of happiness: What should make you happy, but doesn't, what shouldn't make you happy, but does. New York: Penguin Press.

Mirzadeh M. & Falahchi R. (2011). The relationship between forgiveness and marital satisfaction science line publication, ISSN 2251.

Olson, M., & Wilson, M. (2001). Families. California: sage publication

- Rajabi, G.H. (2003). Impact of Group mindfulness-based therapy on depression reduction and increase of marital satisfaction: Journal of Guilan University of Medical Science, 20(80):83-91.
- Rashid, T. (2015). Positive Psychotherapy: A Strength-based approach. Journal of Positive Psychology, 10, 25-40.
- Ryff, C. D. (1998). Happiness is everything, or is it? Explorations on the meaning of psychological well-being. *Journal of Personality and Social Psychology*, 74, 1318-1325.
- Ryff, C. D., & Keyes, C. L. M. (1995). The structure of psychological well-being revisited. *Journal of Personality and Social Psychology*, 69, 716-727.
- Helms, M. Buehler, C. (2010). *Journal of Marriage and the Family*. Wiley Online Library.
- Marital quality and personal well-being in women: meta-analysis.
- Sefidi, F., Farzad, V. (2012). Validated measure of Ryff psychological well-being among students of Qazvin University of Medical Sciences (2009). *Journal of Qazvin University of Medical Sciences*, 1, 16, 65-71. (in Persian).
- Seligman, M. E. P., Csikszentmihalyi, M. (2007). Positive Psychology: An introduction. *American Psychologist*, 55 (1), 5-14.
- Van den. R. (2008). Enhancing well-being and alleviating depressive symptoms with positive psychology interventions: A practice-friendly analysis.
- Watson, D. & Tellegen, A. (1985). Toward a consensual structure of mood. *Psychological Bulletin*, 98: 219-235.
- Whisman, M.A., Uebelacker, L.A., & Weinstock, L.M. (2004). Psychopathology and marital satisfaction: Importance of evaluating both partners. *Journal of Consulting and Clinical Psychology*, 72, 830-838.
- Winnfield, R. Helen. (2009). The Relationship between Psychological Distress and Psychological Well-being. Retrieved of <https://health.adelaide.edu.au>.
- Wissing, M. D. & Fourie, A. (2000). Spirituality as a component of psychological well-being.